

مفهوم شناسی کم فروشی و پیامدهای آن در جامعه

زهرا اله دادی ورزنه^۱

چکیده

رعایت حقوق دیگران یکی از اصول اساسی در اخلاق کسب و کار می‌باشد، که کم فروشی در معاملات خلاف این عدالت است. مقاله حاضر که به روش توصیفی انجام خواهد گرفت، در پی شناخت کم فروشی و پیامدهای آن در جامعه می‌باشد. اهمیت کم فروشی در این حد است که در آیات و روایات و سیره معصومین (علیهم‌السلام) به آن اشاره شده است و با رواج کم فروشی، اعتماد مردم به یکدیگر سلب شده و در نظام خرید و فروش خسارات جبران ناپذیری ایجاد خواهد شد. نتایج نشان داد که کم فروشی به معنای وسیع آن، مطلق کم گزاردن است، خواه در معاملات باشد یا در حرفه یا ارائه خدمات و یا حتی در عبادات و روابط خانوادگی... همانگونه که قرآن کریم و روایات، بارها از این معزل عظیم برحذر داشته‌اند و آثار سوء آن بر فرد و جامعه را بیان کرده‌اند. آثاری همچون خسران در دنیا و آخرت، فساد در زمین، از بین رفتن امنیت اجتماعی و اعتماد، دوری از رحمت خداوند و عذاب الهی و خشکسالی. مردم را متوجه این گناه عظیم و پیامدهای آن کنیم تا زندگی فردی و بالآخر جامعه بهتری داشته باشیم.

واژه‌های کلیدی: کم فروشی، جامعه، آثار کم فروشی

^۱ طلبه سطح دو (کارشناسی)، مدرسه علمیه فاطمه الزهرا شهر ورزنه

۱- مقدمه

اساس زندگی بشر از گذشته تا کنون بر مبادله و خرید و فروش استوار بوده و هست، لذا رعایت عدالت در این مبادلات مسئله‌ای با اهمیت است. یکی از مهم‌ترین مصادیق ضایع شدن حقوق دیگران و عدم عدالت در مبادلات، مسئله‌ی کم فروشی است، کم فروشی به معنای کم گذاشتن و کاستن در پیمانه و ترازو است و قلمرو گسترده‌ای دارد و در تمام روابط معنوی، مادی، اجتماعی و... امکان بروز و ظهور دارد. کم فروشی در قرآن و روایات نیز بارها آمده است و قرآن و عترت مردم را از انجام این عمل نادرست بازداشته‌اند. کم فروشی، پیامدهایی در جامعه دارد و مانع بزرگی در رسیدن به سعادت است، لذا این نوشتار در صدد آن است که پیامدهای کم فروشی در جامعه را شناسایی کند.

اهمیت کم فروشی بدان حد است که در قرآن به طور صریح بدان اشاره شده و آیاتی از سوره «مطففین» در نکوهش کم فروشان نازل شده است و محور دعوت بعضی پیامبران ترک کم فروشی بوده است و نیز رواج آن یکی از پدیده‌های منفی است که پای حرام خواری و بی‌تفاوتی را ابتدا در حوزه اقتصاد و پس از آن در تک تک ابعاد زندگی باز می‌کند و در نهایت به دلیل تأثیرات سوئی که مال حرام دارد، به مقصد تباهی منتهی می‌شود. با توجه به فراگیر بودن کم فروشی در جامعه ما و لزوم تبیین و اشاعه فرهنگ اسلامی در بعد اقتصادی و اجتماعی، این نوشتار در جهت شناخت کم فروشی و پیامدهای آن در جامعه نوشته می‌شود.

مبتلا بودن جامعه و مردم به مسئله‌ی کم فروشی باعث شده که همواره محققان و پژوهشگران به این قضیه بپردازند و کتب و مقالاتی را در این مورد تدوین کنند. در گردآوری مطالب این تحقیق، موضوعات متفاوت در زمینه‌های کم فروشی مد نظر قرار گرفته، و از منابعی همچون «کم فروشی» از وزیری فرد، «کم فروشی از نگاه قرآن و حدیث» از نصرتی، «بررسی احکام رشوه، غش و کم فروشی» از غروی، «فقه القرآن» از راوندی و «مکاسب» از شیخ انصاری، از منابع نفیس و ارزشمند در زمینه کم فروشی می‌باشند. در ارتباط با این موضوع، پژوهش‌هایی همچون «تطفیف» از خرازی، «کم فروشی و حرام خواری» از جعفری، «تحلیل فقهی حقوقی تطفیف» از خلیل آبادی انجام شده است. اگر چه نوشته‌ها در خصوص کم فروشی خصوصاً در غالب منابع دینی و اسلامی چشمگیر است لیکن این موضوع از نظر پیامدهای کم فروشی در جامعه مورد بررسی قرار نگرفته است و در تحقیق پیش‌رو تلاش بر آن است که پیامدهای

کم فروشی در جامعه مورد بررسی و تدقیق قرار دهد. بنابراین تحقیق حاضر با روش توصیفی و با هدف شناسایی پیامدهای کم فروشی در جامعه به بررسی این پژوهش می‌پردازد.

۲- مفهوم شناسی

در این مبحث معنی و مفهوم واژه‌ها بررسی می‌شود.

۲-۱ کم فروشی

واژه کم فروشی معادل تطفیف و بُخس در زبان عربی است، که به جای کم فروشی به کار برده می‌شود. تطفیف به معنی خیانت به خریدار از طریق کم گذاشتن در پیمانه یا وزن است.^۱ بُخس به معنای کاستن حق است، به همین جهت در قاموس و تاج العروس آمده است: «البخس: النقص والظلم؛ بخس یعنی نقص (کم گذاشتن) و ظلم».^۲

تطفیف، شامل هر چیزی است. ناقصین در خمس و کسی که بر خانواده‌ی خود در لوازم زندگی سختی کرد و تنگ گرفت مصداق کم فرشانند.^۳ تطفیف، می‌تواند در عقود، مبادله، مبیعه، اجاره، شرکت و ... نیز باشد.^۴

کم فروشی در اصطلاح عبارت است از عرضه کالا یا خدمات کمتر از میزان و مقادیر خریداری شده از نظر کمی یا کیفی که مبنای تعیین نرخ مراجع رسمی قرار گرفته است.^۵

۳- تحلیل مفهومی کم فروشی

کم فروشی یا کم گذاردن از واژه‌های روشن است. قرآن این معنا را عمدتاً در آیات مشتمل بر مشتقات «بخس» و وفایی به کیل و میزان^۶ و «تطفیف»^۷ مطرح می‌کند و در متون فقهی احکام آن تحت عنوان

^۱ زبیدی، تاج العروس، ج ۶، ص ۱۸۲.

^۲ همان، ج ۴، ص ۱۰۵.

^۳ طالقانی، عاملی، تفسیر عاملی، ج ۸، ص ۵۰۹.

^۴ مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۸۹۹.

^۵ مجموع مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، ماده ۵۸، ص ۸.

^۶ هود: ۸۴ / شعرا: ۱۸۳.

^۷ مطفیفین: ۱.

«تطفیف» مورد بحث قرار گرفته است. از آنجا که برخی تطفیف را کم کردن در کیل و وزن گرفته^۱ و برخی چون محقق یزدی آن را مطلق کم کردن دانسته‌اند،^۲ کم فروشی را با دو تعبیر می‌توان به کار برد:

۳-۱- تعبیر محدود:

در این تعبیر کم فروشی که در فقه از آن با «تطفیف» تعبیر می‌شود، صرفاً در خرید و فروش در مفهوم خاص کلمه به کار می‌رود. مراد از کم فروشی در این مفهوم کم گذاشتن کالای مورد فروش یا مبادله از میزان مورد توافق خریدار است. خواه کم فروشی توسط صاحب کالا صورت بگیرد یا توسط کسی که سنجش اجناس مردم را برای خود شغل قرار داده و به نفع فروشنده کم فروشی می‌کند، لذا جمعی از فقها آن را در مورد کالایی که خرید و فروش آن با کیل و وزن است، به کار می‌برند.^۳ به گفته محقق یزدی گویا از نظر آنان کم فروشی (تطفیف) در عرف به نقص و کم گذاردن در کیل و وزن اختصاص دارد.^۴ بر مبنای آنان اگر چه کم دادن کالای عددی و متری موضوعاً کم فروشی نیست ولی حکماً ملحق به کم فروشی است.^۵ و در هر صورت حرام و موجب ضمان است.^۶ کم فروشی در این مفهوم خاص ابعاد مختلفی دارد و شامل فروشنده و صاحب مکیال و میزان می‌گردد. در متون فقهی در خصوص احکام کیلی و وزن و آداب تجارت مباحث دقیق و مرتبط با اخلاق کسب و کار مطرح است.^۷

۳-۲- تعبیر وسیع

در این تعبیر کم فروشی (تطفیف) به معنای مطلق کم کردن است. چنانچه گذشت مفهوم کم فروشی در آیات قرآنی و متون فقهی تحت عنوان «تطفیف» و «بخس» قرار دارد. از موارد کاربرد این دو واژه و مشتقات آن‌ها در برخی آثار کهن واژه شناسی و دیگر منابع استفاده می‌شود که دو واژه «تطفیف» و «بخس» به معنای مطلق کم کردن و ناقص دادن حق، به نحو خائنانه و ظالمانه است.^۸ با این تفاوت که

^۱ حسینی عاملی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، ج ۱۲، ص ۲۹۹.

^۲ طباطبایی یزدی، حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۲۲.

^۳ حسینی عاملی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، ج ۱۲، ص ۲۹۹.

^۴ طباطبایی یزدی، حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۲۲.

^۵ همان.

^۶ انصاری، مکاسب، ج ۱، ص ۱۹۷.

^۷ اصفهانی، وسیله النجاه، ص ۳۱۸.

^۸ راوندی، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، ج ۲، ص ۵۵.

واژه «تطیف» و مشتقات آن برخلاف واژه «بخس» غالباً همراه با کیل و وزن بکار رفته است و احتمالاً همین امر باعث برداشت معنای محدود از تطیف برای برخی فقها بوده است تا چنین تلقی کنند که تطیف در عرف به کم گذاردن در کیل و وزن اختصاص دارد ولی برخی محققین چون محقق یزدی و آیت الله خویی معنای اصطلاحی این دو واژه را جدای از معنای لغوی ندانسته و ذکر کیل و وزن در آیه قرآنی و غیر آن را از باب مثال تلقی کرده‌اند.^۱

اخلاق کسب و کار در محیط جهانی که تحت تأثیر جهانی شدن، تحول و پیچیدگی فراوانی یافته است، سبب به میان آمدن مفهوم وسیع از کم فروشی شده است مفهومی که علاوه بر کم فروشی در معاملات و مبادلات شامل ارایه خدمات، تولید کالا، توزیع کالا در دنیای حقیقی و مجازی نیز می‌شود. بر اساس مفهوم‌سازی نوین، بنگاه‌های خدماتی، سازمان‌های آموزشی، پژوهشی، بنگاه‌های صنعتی و سازمان‌های بازرگانی همه در معرض آسیب کم فروشی قرار دارند. در این مفهوم کم کاری نیز نوعی کم فروشی در ارایه خدمات است چه آنکه آن خدمات، رفاهی مثل هتلداری باشد یا امنیتی مانند خدمات انتظامی، یا اداری و یا آموزشی باشد. عدم رعایت استانداردهای کیفیت نیز مصداقی از کم فروشی است. دانشمندان مسلمان در مواردی ابعاد کم فروشی در مفهوم اعم آن را مورد توجه قرار داده‌اند. از ابن مسعود روایت است که می‌گوید: «نماز مکیال و پیمانه است هر کس آن را کامل کند خداوند نیز پاداش او را کامل عطا می‌کند و هر کسی از آن کم کند درباره او همان است که خداوند برای مطففین (کم فروشان) فرموده است».^۲

انصاری قرطبی ذیل تفسیر آیه «ویل للمطففین» نقل می‌کند که تطیف (کم کردن) همان گونه که در کیل و وزن تحقق پیدا می‌کند در وضو و نماز و نقل حدیث نیز تحقق پیدا می‌کند.^۳ قرطبی از کتاب الموطأ نقل می‌کند که مالک گفته است: «یقال لكل شیء وفاء و تطیف؛ هر چیزی هم ادای تمام و کمال دارد و هم ادای ناقص و کم گذاردن». با توجه به معنای لغوی «تطیف» و «بخس» و اقوال یاد شده و اصل توسعه در معانی آیات و اینکه پیمانه کردن و سنجیدن خصوصیتی ندارد احتمال اینکه تطیف در

^۱ طباطبایی، حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۱۲۵.

^۲ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۲۵.

^۳ انصاری القرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج ۲۰، ص ۲۱۹.

عمومی و اجتماعی زایل می‌گردد. لذا برخی آیات یاد شده تباهی همه افراد را اعم از صالح و غیر صالح و کم فروش و غیر آن را بطور یکسان فرا می‌گیرد.^۱

۶-۴-اعتماد ستیزی

اعتماد آفرینی نقش مهمی در موفقیت شغلی دارد. سازمان‌های کسب و کار باید اعتماد مشتری، کارکنان، تأمین کنندگان مؤسسه‌های مالی و اعتباری را جلب کنند. ایجاد اعتماد راسخ، فراگیر، پایدار، اصیل سبب موفقیت سازمانی است. هر کسی با سازمان کسب و کار ارتباط پیدا می‌کند نوعی سرمایه گذاری می‌کند. سرمایه گذاری یعنی تخصیص نقد سرمایه به امید سود در آینده. سرمایه اعم از پول، فرصت اشتغال، تجارب و مهارت شغلی و... است. اعتماد به سازمان سرمایه بزرگ آن است و اعتماد اجتماعی نیز از سرمایه‌های اجتماعی است. کم فروشی موجب از بین رفتن چنین سرمایه‌ای می‌شود.^۲

۶-۵-از دست دادن بازار در محیط جهانی

کم فروشی سبب مشتری گریزی است. امروزه به دلیل ارتباط آسان هر مشتری ناراضی بیش از بیست مشتری را از سازمان فراری می‌دهد. شرکت‌هایی که در کسب و کار جهانی کم فروشی می‌کنند نه تنها بازار خود را از دست می‌دهند بلکه جایگاه ملی و منافع ملی را نیز نابود می‌کنند و ملتی را بی اعتبار می‌سازند و از فضیلت و منزلت آنان می‌کاهند چرا که چنین ملتی در نظر جهانیان گمراه کننده و زیانکار است. کم فروشی نه تنها برند شرکت کم فروش را تهدید می‌کند بلکه اعتبار ملی را نیز تهدید می‌کند.^۳

۶-۶-دوری از رحمت خدا

این معنا از اشاره به مطففین با واژه «اولئک» استفاده می‌شود «الا یظن اولئک انهم مبعثون لیوم عظیم»^۴ چرا که این واژه در ادبیات عرب برای اشاره به دور وضع شده است. علامه طباطبائی می‌فرماید: «این به خاطر آنست که بفهماند کم فروشان از رحمت خدا بدورند».^۵

^۱ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۹۱.

^۲ قراملکی و دیگران، اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام، ص ۲۲.

^۳ همان.

^۴ مطففین: ۴.

^۵ همان، ج ۱۳، ص ۹۱.

۶-۷- نزول عذاب الهی

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است: «هیچ قومی عهد شکنی نکردند، مگر این که خداوند دشمنانشان را بر آنها مسلط ساخت. هیچ جمعیتی به غیر حکم الهی حکم نکردند، مگر این که فقر در میان آنها زیاد شد. در میان هیچ ملتی فحشاء ظاهر نشد، مگر این که مرگ و میر در میان آنها فراوان گشت! هیچ گروهی کم فروشی نکردند، مگر این که زراعت آنها از بین رفت و قحطی آنها را فرو گرفت! و هیچ قومی زکات را منع نکردند، مگر این که باران از آنها قطع شد».^۱

از آیات قرآن نیز به خوبی استفاده می شود که مسئله کم فروشی موجب به هم خوردن نظام اقتصادی می شود و نزول عذاب الهی را در پی خواهد داشت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ. وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُذْوَانًا وَ ظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا! ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را به ناحق مخورید، مگر آن که تجارتی باشد که هر دو طرف بدان رضایت داده باشید. و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، بزودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت و این کار برای خدا آسان است».^۲ در این آیه از خوردن مال از راه های باطل نهی شده و به کسانی که مبادرت به این کار می کنند وعده عذاب داده شده است و بدیهی است که یک از مصادیق خوردن مال از راه باطل، کم فروشی است.

۷- نتیجه گیری

کم فروشی در دنیای امروزی مسئله ای است حائز اهمیت، زیرا مختص اشیاء قابل کیل و وزن نیست، بلکه مفهومی وسیع تر دارد و هرگونه کم نهادن فرد در مال و کار و روابط را شامل می شود. آیات و روایات متعدد نیز به شیوه های مختلف مردم را از کم فروشی برحذر می دارند. تا جایی که خداوند در قرآن بر کم فروشان نهیب زده و از واژه ویل (وای) استفاده می کند.

رواج کم فروشی پیامدهای سوء بسیاری دارد همچون: اعتمادستیزی، فساد در جامعه، از بین رفتن امنیت اجتماعی، از دست دادن باز کار جهانی، عذاب الهی و... کم فروشی موجب از بین رفتن اعتماد مشتریان

^۱ افخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۳۱، ص ۸۳.

^۲ نساء: ۲۹-۳۰.

که اساس معاملات است و در نتیجه کاهش موفقیت شغلی و اجتماعی بازار کار جهانی می‌شود. از آنجا که کم‌فروشی نوعی دزدی بی‌صدا و پنهانی است، زمینه شیوع آن در کل جامعه هموار شده و به مرور موجب فساد جامعه می‌شود. کم‌فروشی در واقع نافرمانی از دستورات الهی است که موجب عذاب دنیوی و اخروی افراد همچون خسران و ... می‌باشد.

امید است با شناخت آثار نامطلوب این گناه، مردم به درستی و صدق روی آورده و جامعه‌ای بهتر داشته باشیم.

۸- منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای

۸-۱ منابع فارسی

۱. انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، تهران: مؤسسه الهادی، ۱۴۱۵ق.
۲. طالقانی، سیدمحمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲.
۳. _____، عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، ج ۸، تهران: انتشارات صدوق، ۱۳۶۰.
۴. غروی، روح‌الله، بررسی فقهی احکام رشوه، غش و کم‌فروشی، قم: کریمه اهل بیت، ۱۳۹۰.
۵. قراملکی، فرامرز، مبانی کلامی جهت‌گیری دعوت انبیاء، تهران: پژوهشگاه فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.
۶. قراملکی، فرامرز و دیگران، اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸.
۷. نصرتی، اکبر، کم‌فروشی از نگاه قرآن و حدیث، تهران: مرکز تحقیقات و توسعه، ۱۳۹۵.
۸. وزیری فرد، محمدجواد، کم‌فروشی، تهران: سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات، ۱۳۸۷.

۸-۲ منابع عربی

۹. اصفهانی، ابوالحسن، وسیله النجاه، قم: چاپخانه نیکنام، ۱۳۵۲.
۱۰. انصاری القرطبی، محمدابن احمد، الجامع الاحکام القرآن، محقق عبدالرزاق المهدی، تهران: دارالکتاب عربی، بی‌تا.

۱۱. حر عاملی، محمد بن حسین، **وسائل الشیعه**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ق.
۱۲. حسینی عاملی، سید محمد جواد، **مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه**، محقق شیخ محمد باقر خالصی، ج ۱۲، قم: مؤسسه النشر السلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۲۴ق.
۱۳. رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۵. راوندی، قطب الدین، **فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام**، قم: کتاب خانه آیت الله نجفی مرعشی، ۱۴۰۵ه.ق.
۱۶. زبیدی، محمد بن محمد، **تاج العروس**، بی جا: بی نا، ۱۴۱۴ق.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۸. طباطبایی یزدی، کاظم، **حاشیه المکاسب**، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۸.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۰. فراهیدی، خلیل ابن احمد، **العیون**، قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۵ق.
۲۱. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، **قاموس المحيط**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۳. مراغی، مصطفی، **تفسیر المراغی**، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۲۴. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ج ۷، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۸.

۸-۳ مقالات

۲۵. جعفری، یعقوب، "کم فروشی و حرام خواری"، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۱۳، ۱۳۹۳.
۲۶. خرازی، سید محسن، "تطفیف"، مجله فقه اهل بیت، شماره ۳۹، ۱۳۸۳.

۲۷. خلیل آبادی، اکرم، "تحلیل فقهی حقوقی تطیف"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۴۴.